

نگاه کارشناس

آیین‌ه شکسته حکمرانی دیجیتال

سرگردانی سیاست فضای مجازی در میان گشایش و فروبستگی



قادر باستانی‌تبریزی

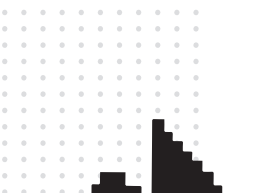
پژوهشگر علوم ارتباطات

روزگاری در سند چشم‌انداز برای افق ۱۴۰۴، قرار بود پرچمدار منطقه در عرصه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی باشیم. گام دوم انقلاب، ما را به تمدن‌سازی نوین اسلامی وعده داده بود. نهضت نرم‌افزاری، قرار بود زیرساخت حکمرانی دانایی‌محور را بنا کند، اما امروز گزاره‌ای اسفناک و تکان‌دهنده پیش روی ماست که ایران در قعر جدول وضعیت کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور جهان قرار دارد. این آمار نه از زبان دشمنان، بلکه از سوی کمیسیون اینترنت انجمن تجارت الکترونیک، نهاد تخصصی و غیرسیاسی صادر شده است. پنجمین گزارش این نهاد، که با مشارکت مرکز افکارسنجی ایسپا تهیه شده، تصویری روشن از فروپاشی کیفیت اینترنت در ایران ترسیم می‌کند؛ جایگاه ۹۷ از میان ۱۰۰ کشور، سرعت کند (رتبه ۸۴)، اختلال مداوم (رتبه ۹۲) و محدودیت شدید (رتبه ۹۹). اگر امروز رتبه کیفیت اینترنت را شاخصی برای حکمرانی دیجیتال بدانیم، نتیجه تأسفبار است، اما همین واقعیت می‌تواند زنگ بیدارباشی برای بازاندیشی در سیاست‌های کلان و احیای اعتماد عمومی در مسیر توسعه باشد.

اینترنت ایران تنها از کوبا، ترکمنستان، انگولا، سودان و کنگو بهتر است؛ کشورهای گرفتار جنگ داخلی، فقر گسترده و حکمرانی‌های فروریخته. این همان جایی است که نهضت نرم‌افزاری که قرار بود سنگ‌بنای اقتصاد دانش‌بنیان باشد، بدان ختم شده است. سند چشم‌انداز ما با شبکه‌ای نفس‌بریده و قطع‌ووصلی، بیشتر به رؤیایی به‌حق‌آفته شبیه است.

طبق همین گزارش، ۸۶ درصد کاربران اینترنت در ایران از فیلترشکن استفاده می‌کنند. نکته تکان‌دهنده‌تر آنکه تا پیش از ۱۴۰۱، ۶۲ درصد مردم اساساً نیازی به استفاده از ابزارهای دور زدن فیلتر نداشتند. یعنی در کمتر از سه‌سال، مردم ناچار شدند وارد زیست زیرزمینی دیجیتال شوند؛ جایی که امروز ۹۳/۸ درصد جوانان زیر ۳۰ سال برای دسترسی به اینترنت مجبور به استفاده از فیلترشکن‌اند. کسانی که در فضای مجازی فعالیت دارند، بهتر از هر کس دیگری عمق این فاجعه را درک می‌کنند. اینجااست که فاجعه، نه‌فقط در قطع ارتباط با جهان، که در قطع رابطه نسل آینده با حکمرانی جلوه می‌کند. شکاف ژرف میان زبان رسمی حکمرانی و زیست واقعی دیجیتال مردم، چنان فراگیر و عمیق شده است که بازسازی اعتماد و هم‌افزایی، تنها با توصیه‌ها، خطابه‌ها و بیانیه‌های تکراری امکان‌پذیر نیست.

از اینستاگرام بپرسید. طبق نظرسنجی ایسپا،



▼ اینترنت همچنان جنگ‌زده

از آنجا که اینترنت در دوران جنگ ۱۲ روزه با قطع کامل چندروزه و اختلال‌های شدید مواجه شد، گزارش پنجم، وضعیت اینترنت کشور در قبل و بعد از حمله رژیم صهیونیستی را هم بررسی کرده و براساس آن، با گذشت یک‌ماه از جنگ هنوز اینترنت به وضعیت قبل برنگشته است. نرخ پذیرش پروتکل‌های مهم اینترنتی مانند HTTP/۲ و IPv۶ هنوز عادی نشده است. حتی پروتکل HTTP/۲ همچنان در اغلب اپراتورها مسدود باقی مانده و اختلالات فنی، ادامه دارد. پویا پیرحسینلو، رئیس کمیسیون اینترنت و زیرساخت انجمن تجارت الکترونیک هم در نشست روز گذشته، با تأکید بر اینکه هنوز پروتکل HTTP/۲ (سومین و جدیدترین نسخه از پروتکل HTTP است که برای برقراری ارتباط بین مرورگر وب و سرور استفاده می‌شود) باز نشده است، گفت: «باوجودپایان جنگ، هنوز پروتکل‌های مهم مانند HTTP/۲ مسدود است و پروتکلی مانند IPv۶ نیز با وجودبارگشایی، با اختلال شدید همراه است. طبق پیگیری که انجام داده‌ایم، پروتکل HTTP/۲ که تأثیر قابل توجه‌ای روی کیفیت اینترنت دارد، به دستور شورای عالی فضای مجازی مسدود شده است.» در حالی که پیرحسینلو از پاسخ‌گو نبودن مرکز فضای مجازی درباره دلیل تداوم مسدودیت یکی از پروتکل‌های مهم اینترنت خبر می‌دهد، در اوایل تیرماه روزنامه شرق گزارشی درباره کاهش پهنای باند واتس‌آپ به دستور مرکز ملی فضای مجازی منتشر کرد. براساس این گزارش که چندساعت‌پس از انتشار حذف شد، محمدامین آقامیری، رئیس مرکز ملی فضای مجازی، دستورمی‌بندی بر کاهش ۵۰ درصدی پهنای باند واتس‌آپ‌صادر کرده بود. این تصمیم که بدون اخذمجوز از رئیس‌جمهور و هماهنگی با وزارت ارتباطات اتخاذ شده، دلیل اصلی کندی و اختلالات این پلتفرم در آن زمان اعلام شد. البته مسئولان دلیل قطع یا اختلال‌های اینترنت -چه در زمان جنگ و چه پس از آن- را حملات سایبری اعلام کردند. این در حالی است که به اعتقاد کارشناس‌ها، با قطع یا اعمال اختلال در اینترنت نمی‌توان مانع از حملات سایبری شده؛ زیرا بخش زیادی از این حملات ناشی از شبکه داخلی آلوده اینترنت در کشور است. درمجموع گزارش پنجم از کیفیت اینترنت ایران، در حالی هم‌زمان با جنجال‌های اخیر اینترنت طبقاتی برای خبرنگاران و کسب‌وکارهاویک‌سالگی دولت چهاردهم منتشر می‌شود که بیش‌ازپیش ضرورت و اهمیت رفع فیلترینگ یک‌باره و گسترده را نشان می‌دهد. این درحالی است که مسعود پزشکیان در زمان مناظره‌های انتخاباتی، وعده رفع فیلترینگ را به مردم داد و تأکید کرده بود که مقابل این سیاست اشتباه می‌ایستند. حتی در این مدت بارها از سمت مسئولان مطرح شد که چه رئیس‌جمهور و چه وزارت ارتباطات، اختیار چندانی در رفع محدودیت‌های اینترنت ندارند. حداقل آنچه از دولت فعلی توقع می‌رود این است که صراحتاً بیان کند کدام گروه و جریان -به‌خصوص در شورای عالی فضای مجازی- بر سیاست استمرار فیلترینگ استمرار دارند و مسئول این وضعیت دون از شان اینترنت در ایران، چه کسی است. کم‌اینکه وزیر ارتباطات نیز چندروز پیش در صحن علنی مجلس تأکید کرد که فیلترینگ و محدودیت‌ها ارتباط ما را با جهان قطع کرده و باید برداشته شود. حقیقت این است که کشور عمیقاً و شدیداً به بازنگری در تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری در حوزه اینترنت نیاز دارد و باید هر چه زودتر به مسیر توسعه واقعی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصاد دیجیتال برگشت وگر نه ممکن است با استمرار وضعیت فعلی فرصت‌هایمان را بیشتر و بیشتر از دست بدهیم.



▼ پیامدهای بیش‌متولی گری

بیش‌متولی‌گری تأثیرات اقتصادی قابل توجهی دارد. محدودیت‌های اینترنت مانع رشد کسب‌وکارهای دیجیتال و استارت‌آپ‌ها می‌شود، که برای فعالیت به اینترنت سریع و قابل اعتماد وابسته‌اند. اینستاگرام - که ۶۳ درصد از کاربران اینترنت ایران از آن استفاده می‌کنند- برای ۶۰ درصد از کاربرانی که از شبکه‌های اجتماعی برای درآمدزایی استفاده می‌کنند، پلتفرم اصلی است. فیلترینگ این پلتفرم‌ها، فرصت‌های اقتصادی را محدود کرده و مانع توسعه اقتصاد دیجیتال شده است.

استفاده گسترده از فیلترشکن‌ها - که ۸۶ درصد از کاربران اینترنت ایران از آن‌ها استفاده می‌کنند- هزینه‌های اضافی به خانوارها تحمیل می‌کند. نظرسنجی مشترک انجمن تجارت الکترونیک و مرکز افکارسنجی ایسپا در خردادماه ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ۹۳/۸ درصد از جوانان زیر ۳۰ سال از فیلترشکن استفاده می‌کنند. این هزینه‌ها می‌تواند به بخش‌های دیگر اقتصاد، مانند آموزش یا سرمایه‌گذاری، تخصیص یابند، اما در حال حاضر صرف دوزدن محدودیت‌های غیرضروری می‌شوند.

بیش‌متولی‌گری همچنین خطرات امنیتی را افزایش داده است. استفاده گسترده از

خطای سیاست‌گذاری

آنارشی سیاست‌گذاری اینترنت



مسعود شاه‌حسینی

گزارشگر هم‌میهن

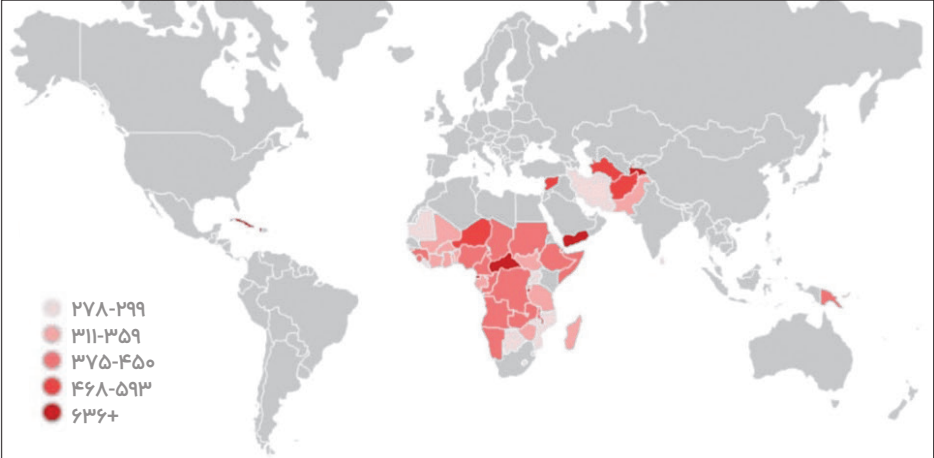
وضعیت این روزهای اینترنت، خاصه پس از جنگ ۱۲ روزه، بی‌نیاز از توضیح است. آنقدر وضعیت سرعت و ثبات شبکه فاجعه است که اصلاً نمی‌توان نام آن را اینترنت گذاشت. فیلترینگ کم بود، حالا اختلال و قطعی‌های دائمی و گاه‌وبیگاه هم اضافه شده است. باورکردنی نیست در زمانه‌ای که زیست و زیستن انسان قرن ۲۱ به اینترنت گره خورده، در کشور ما صبح تا شب دغدغه همگانی این شده که بالاخره مسئولان و تصمیم‌گیران کی می‌خواهند به خودشان بیایند و تصمیم درست را بگیرند. گزارش کیفیت اینترنت که دیروز منتشر شده، حاوی داده‌های تأمل‌برانگیز و البته تاسف‌باری است. اینکه ایران بدترین کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور دارای بیشترین تولید ناخالص داخلی بالا را دارد و تجربه کاربران، مشابه ممالک جنگ‌زده است؛ دیگر نه یک عیب و کاستی فنی که یک خطای سیاست‌گذاری است.

سال‌هاست نهادها و سازمان‌های مختلف در یک دور باطل برای جریان آزاد اطلاعات در کشور تصمیم‌می‌گیرند و متولی اصلی را از مناسبات کنار می‌گذارند. همان نهادهایی که بفنام امنیت، حقوق حقه میلیون‌ها شهروند این سرزمین را نقض کرده و به تهدیدی برای همان مفاهیمی تبدیل شده که ادعای حفاظت از آن‌ها را دارد. این یک پارادوکس ویرانگر است که در وهله اول از همان سیاست‌گذاری چندپاره ناشی می‌شود. اینکه فیلترینگ، محدودیت و اختلال در کشور ما با شعارهای دهان‌پرکن و اساسی توجیه می‌شود، در عمل خود به مهم‌ترین بستر ناامنی دیجیتال در کشور تبدیل شده است. همین یک مولفه را در نظر بگیرید: ۸۶ درصد کاربران و حدود ۹۴ درصد جوانان، بنا به داده‌های گزارش کیفیت اینترنت، از فیلترشکن استفاده می‌کنند. یک معنای این حرف این است که سیاست‌گذار عملاً حاکمیت خود بر فضای سایبری را از دست داده است. میلیون‌ها شهروند از روی ناچاری و به دلیل آشننگی سیاست‌گذاری فضای مجازی به اکوسیستمی زیرزمینی، غیرقابل کنترل و پرخطر رانده شده‌اند که در آن به‌آسانی امنیت خودشان و کشور از دست می‌رود اما سیاست‌گذاران، دغدغه‌شان این است که چطور همین مسیر باز نیم‌بند فعلی را دوباره ببندند و اگر هم کسی در وزارت ارتباطات تلاشی بکند که کیفیت اینترنت را بهبود بخشد یا برخی پلتفرم‌ها را از فیلترینگ درآورد، به هزار شکل ممکن مانع‌تراشی و سنگ‌اندازی می‌کنند. از یک طرف وزارت ارتباطات از افزایش پهنای باند و توسعه زیرساخت‌سختن می‌گوید، در همان حال، نهادهای امنیتی و قضایی با فهرست بلندبالا و بی‌پایان سایت‌ها و دامنه‌هایی که باید فیلتر شوند یا دسترسی‌شان داخلی شود، آن صدا را خاموش می‌کنند. مجلس با طرح‌هایی خلق الساعه از تعلل دولت و اجرا نکردن مصوبات اش گله می‌کند و شورای عالی فضای مجازی، در جایگاه متوهمانه مغزمتفکر و همه‌کاره بودن به‌نام مصلحت، امنیت، حمایت، تسهیل‌گری و... ایده‌هایی مطرح می‌کند که هیچ‌نشانی از توسعه ندارد. این همان وضعیت آناارشی اینترنت است؛ جایی که قدرتمندترین سیاست‌گذاری به تصمیم‌گیر، همان است که بیشترین توانایی را در به‌هم‌زدن نظم و اخلاص در روند منطقی امور و ناامیدسازی عمومی دارد و ناشی از چرخه‌ای باطل در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است که سال‌هاست هزینه و خسارت به کشور تحمیل کرده و همچنان هم می‌کند. همه ما می‌دانیم که در تمام دنیا وظیفه توسعه، تجهیز و ساختن زیرساخت بر عهده وزارتخانه‌های تخصصی این حوزه یعنی وزارت ارتباطات است اما در کشور ما این نهاد کلیدی عملاً از وظایف اصلی‌اش بازداشته می‌شود و در جلسات هم که باید تصمیم بگیرند که گشایشی ایجاد شود، فشارها را از تریبون‌های مختلف چنان بالا می‌برند که گشایشی صورت نمی‌گیرد.

واقعیت این است که در قرن بیست‌ویکم، اینترنت دیگر ابزاری برای سرگرمی نیست، بلکه ستون اقتصاد، آموزش و نوآوری است اما در کشور ما کیفیت سیاست‌گذاری به‌نحوی است که اسیر خودتخریمی دیجیتال شده‌ایم. گزارش کیفیت اینترنت کشور بیش از آنکه سیاهه‌ای بر مشکلات اینترنت و فیلترینگ باشد، زنگ خطری درباره این است که سیاست‌گذاری فعلی در حوزه اینترنت و فیلترینگ، یک استراتژی شکست‌خورده است که در تمام ابعاد نتایج معکوس به‌بار آورده است. ادامه دادن این اصرار لجوجانه به‌معنای تعمیق شکاف با مردم، افزایش آسیب‌پذیری‌های امنیتی و فروپاشی اقتصادی کسب‌وکارهاست. راهکار همان‌طور که در گزارش کیفیت اینترنت تلوخا به آن اشاره شده، شجاعت در پذیرش شکست سیاست‌های گذشته و تغییر دادن پارادایم است؛ گذار از سیاست امنیتی‌سازی به تخصیص‌گرایی، واگذاری مدیریت و راهبری فضای مجازی به متولی اصلی آن یعنی وزارت ارتباطات. مسیر منطقی و راستین تأمین امنیت پایدار و توسعه واقعی کشور همین است و بس.

▼ ضرورت تمرکز مسئولیت

برای رفع این چالش‌ها، تمرکز مسئولیت مدیریت اینترنت در وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ضروری است. این وزارتخانه با تخصص فنی و مسئولیت زیرساختی خود، می‌تواند سیاست‌های منسجم‌تری را اجرا کند. تمرکز مسئولیت می‌تواند هماهنگی را افزایش دهد و از تصمیم‌گیری‌های متناقض، جلوگیری کند. این اقدام همچنین می‌تواند شفافیت را در سیاست‌گذاری بهبود بخشد و اعتماد عمومی را تقویت کند. بیش‌متولی‌گری در مدیریت اینترنت ایران، یکی از موانع اصلی بهبود کیفیت اینترنت و توسعه اقتصاد دیجیتال است. تقسیم مسئولیت بین نهادهای مختلف باعث سیاست‌های متناقض، کاهش شفافیت و ناکارآمدی شده است. تمرکز مسئولیت در وزارت ارتباطات، همراه با رفع محدودیت‌های غیرضروری و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، می‌تواند تجربه کاربری را بهبود بخشد، اقتصاد دیجیتال را تقویت کند و اعتماد عمومی را افزایش دهد. درحالی‌که چالش‌های سیاسی و زیرساختی وجود دارند، فرصت‌های قابل توجهی برای اصلاحات وجود دارد که می‌تواند ایران را به‌سمت یک اینترنت آزاد، باکیفیت و امن هدایت کند.



وضعیت ایران در شاخص RTT. این شاخص میانگین سرعتی است که درخواست کاربر به مقصد برسد و برگردد.